



ISSN Print: 2394-7500
ISSN Online: 2394-5869
Impact Factor: 5.2
IJAR 2019; 5(9): 309-311
www.allresearchjournal.com
Received: 15-07-2019
Accepted: 17-08-2019

Maryam Sahebi
Associate Professor, Dean
Faculty of Language and
Literature Parwan University
Charikar-Afghanistan

برخی از خصوصیات در باره تحول زبان

Maryam Sahebi

چکیده

زبان پدیده اجتماعی است که همراه با تحولات اجتماعی دگرگون می شود که جوامع انسانی در گذر تاریخ گرفتار تغییراتی می شوند. جوامع زبانی با گروه های زبانی نیز در این سیر تاریخی تحول و تغییر می نمایند در گذر زمتن زبان های از جهات مختلفی چون اصوات، واج ها، ساختار صرفی و نحوی واژگان و معنا متحول شده اند این عناصر سازنده زبان پیوسته در معرض تغییرند. در بین آنها واژه گان بیش از سایرین دچار دگرگونی میشود.

یکی از علل تحول زبان علت درون زبانی است که مبتنی بر قانون صرف کمترین انرژی در کار است این قانون یک اصل کلی درتغیر زبان است. تحولات به اساس قواعد معین زبان صورت می گیرد نه تصادفی و استثنایی و تحول زبان در حقیقت مدرک نادرست بودن و غلط بودن آن نه بلکه امریست طبیعی و عادی. گرچه در سراسر تاریخ هرگاه اشخاص متنکر و محافظه کارتر متوجه تغییرات زبانی شده و بر آن اعتراض کرده اند و چنین نگرش های هنوز هم نزد برخی از اشخاص وجود دارد اما آنها هیچگاهی نتوانسته اند و نمی توانند بر تحول زبان اثر گزار باشند و جلو آن را بگیرند.

واژه های کلیدی تحول زبان، زبان، گروه های زبان

مقدمه

زبان همواره در حال تحول است در روند تاریخ حدودمعرض به دگرگونی میگردد. زبان های زنده پیوسته در سطوح واژگان، تلفظ، دستور زبان و معنا تغییر می نمایند و این تغییر و دگرگونی اجتناب ناپذیر بوده جای هیچ گونه نگرانی و نكوهش نیست. زبان شناسان برای تغییرات زبان دلایل زیادی بیان کرده اند که بیشتر این دلایل با تاریخ جوامع زبانی، مسائل اجتماعی، مذهبی، سازش بیگانگان، تبادلات فرهنگی و پیشرفت های علمی ارتباط تنگاتنگ دارند. در اغلب موارد ناخشنودی از تغییر زبان هر قدر هم که با شدت عنوان شود بازهم نمیتواند تاثیر چندانی در سیر تحول زبان داشته باشد به گونه یی که گفته شد همواره تحول در زبان صورت می گیرد و تحول زبان هم علل خارجی و هم علل داخلی دارد وعلل خارجی آن است که دگرگونی و تحولات یک زمان همگام و هماهنگ با تحولات جامعه یی است که از آن به عنوان وسیله ارتباطی خود استفاده می کنند.

در بررسی برخی از خصوصیات تحول زبان تاریخ یک زبان بسیار مهم و قابل توجه است و عبارت از دگرگونی های پدید آمده در دستگاہای صرفی و نحوی آن زبان و تحولات حاکم بر روابط عناصر زبان می باشد.

Correspondence
Maryam Sahebi
Associate Professor, Dean
Faculty of Language and
Literature Parwan University
Charikar-Afghanistan

برخی از خصوصیات در باره تحول زبان

تاریخ زبان سوئدمند ترین منبع اطلاعاتی در باره پیدایش و تحول زبان می باشد.

ابته برای روشن ساختن تحول زبان از متون ثبت شده زبان های از رواج افتاده و تحول یافته استفاده به عمل می آید.

اگر عملیه عمومی تحولات زبانی در نظر گرفته شود به اثبات می رسد که آواها، ساخت های صرفی و نحوی واژه ها و معنا های واژه ها به صورت منظم دگرگون میگردند و تحول می کند، اگر تحول زبان به صورت منظم صورت نمی گرفت زبان های که اصل و احد داشته اند به اثر تحول کلی از هم تفاوت می داشتند و هیچگونه مشابهت میان آنها باقی نمی ماند از مقایسه زبان ها با یک دیگر به امر تحول زبان آگاه می شویم و آن اینکه هر زبان گرچه از صورت اصلی خود بسیار دور شده باشد با آن هم می توان رابطه آن را با اصل و زبان های دیگر آن خانواده زبانی تشخیص داد.

در گذشته ندرک این مسله میسر نبود به عبارت دیگر پیش از آن که زبان شناسی علمی در سده ۱۹ میلادی به وجود آید علمای زبان شناسی و دستور زبان بعضی از تغییرات جزئی را که در طی زمان در زبان روی میداد زیر عنوان استتفا ذکر میکردند و علت آن دا کثرت استعمال میسر شدند و بدین گونه هیچ قاعده و قانونی را برای این گونه تغییرات نمی شناختند.

علمای اسکندریه منظومه ای از می هومر، ایلید و ارویسه و شاعران دیگر یونان قدیم را میزان و مقیاس مساعد میدانسته اند، آن گاه که زبان این نوشته کهنه شده و تغییرات در آن راه یافته بود کوشیدند تا قواعد وضع کنند و معاصران خود را به پیروی از آن واداراند. (طوسی، ۱۳۵۷: ۸)

در آغاز قرن ۱۹ به بعد با دست یافتن دانشمندان اروپایی به زبان سانسکریت و زبان های دیگر هندی زمینه مقایسه زبان به میان آمد بدین گونه زبانشناسی تطبیقی عرض وجود کرد، نخستین نتیجه که از این انکشاف و تحقیق به دست آمد این بود، که هیچ یک از زبان های ادبی که دانشمندان می شناختند و قواعد آن را مدون کرده بودند صورت اصلی زبان نی بلکه بسیار از آن ها اصل واحد دیگر داشته اند که آینده گان آن را نمی شناسند و آن چه باقی است صورت های دگرگون شده، آن اصل است و این صورت ها نیز دست خوش تغییر و تحول است پس کوشش ما اینکه آنها را به یک حال و یک صورت نگهداریم برنج بیهوده است.

از قدیم ترین زبانها که اقوام مختلف به جمع و تدوین قواعد زبان و ثبت لفظ و معنای واژه ها پرداخته اند همه بحث های آنان مبنی به یک هدف بود و آن اینکه به نظر ایشان زبان صورت واحد و ثابت داشته است وظیفه صرفی و نحوی و لغوی آن این است که آن صورت را ثبت کند تا آن را دیگران بیاموزند و از آن پیروی کنند، بدین قرار هرگونه انحراف از آن صورت واحد و اصلی چه در لفظ و چه در معنی خطا پنداشته میشود.

پس در نظر ایشان هرچه زبان یونان با نحوه استعمال آن بزرگان باستان مطابقت داشت درست و فصیح شمرده میشد و هرچه با آن اختلاف داشت غلط و عامیانه به شمار می رفت، بعد ها رومیان این شیوه تحقیق را از دانشمندان اسکندریه آموختند و به زبان خود منطبق کردند. (تفضلی، ۱۳۵۸: ۵۸۵)

در هند کتاب مقدس ویدا که متن آن مربوط به زمان کهن بوده و در اثر تحول زمان اند که اندک فقط درست افاظ و فهم معانی آن برای آینده گان دشوار شده بود. دانشمندان هندی خواستند زبان مذهبی خود را به صورت اصلی نگهدارند به

همین سبب به وضع ضوابط و قواعد پرداختند تا زبان را تغییری که در نظر ایشان فساد شمرده میشد حفظ کنند.

از جانب دیگر زبان های غیر ادبی را نباید بی ارزش شمرد زیرا آنها نیز صورت های دیگری است که از همان اصل کهن منشعب شده و یا به اصل باستانی جداگانه بی ارتباط دارد. (جاویده، ۱۳۶۳: ۹)

در زبان عربی نیز لغت و صرف و نحو به همین علت به وجود آمده البته در همه این موارد مبنای بحث و تحقیق یکی بود و آن این که زبان به باور آنان یک صورت درست بیش ندارد و باید در حفظ آن کوشید و این اصل پایه علم زبان بود و همه جا برای اثبات آن تلاش های صورت می گرفت از جانب دیگر در هر زبان علاوه از صورت نوشتاری آن صورت متداول دیگر نیز وجود داشته است که عامه مردم بدان سخن میگفته اند.

اما کار تحقیق در زبان به همین جا پایان نی پذیرفت بلکه این آغاز پیدایش علم تازه بی بود، دانشمندان به کشف اسرار این علم پرداختند و هزاران مساله را طرح کردند و در اصل آن ها کوشیدند، از جمله اینکه آیا تغییراتی که در زبان رخ میدهد کار اتفاقی و تصادفی است یا تابع قواعد معین می باشد. (صادقی، ۱۳۷۵: ۱۲)

تحقیقات و پژوهش ها نشان میدهد که هر تغییر به اساس قاعده معین روی داده است دریافت این حقیقت نانشمندان را به کشف قواعد تحول زبان رهنمونی کرد و معلوم شد که زبان به طریق معین و منظم تحول و تکامل می کند. بدین گونه تصادف و اتفاق با هوش و خطاها در تحول زبان دخالتی ندارد یا دخالت و تاثیرات بسیار جزئی است پس انحراف از اصل یا تغییر و تحول یکی از صورت های زبان نادرست و غلط شمرده نمی شود بلکه یک حادثه عادی است. (صادقی، ۱۳۷۵: ۴۲)

طبیعی است که اگر تغییر زبان از روی روش و نظم انجام نمی گرفت لازم می شد زبان های که اصل واحد داشتند بر اثر تحول به کلی از هم متفاوت می شدند هیچگونه مشابهت میان آن ها باقی نمی ماند.

الته ما از سنجش و مقایسه زبان ها با یکدیگر در می یابیم که حال چنین نیست چنانچه با آن که هر زبان از صورت اصلی خود بسیار دور شده است اما می توان رابطه آن را با اصل و زبان های دیگری که از آن جدا شده تشخیص داد. (باقری، ۱۳۸۰: ۶۵)

زبان ها در تکامل تاریخی خود در بخش های ذیل معروض به تحول میگردند؛ با تحول آواها (اصوات، تحول ساخت، واژه ها تحولات صرفی) تحول طرز به کاربرد و رابطه واژه ها در جمله (تحولات نحوی) تحولات واژگان و تحولات معنایی.

1. تحول آواها و واژه ها؛ یکی از علل تحول آواها این است که مانند هر کار دیگر ذهنی و بدنی سخن گفتن نیز مستلزم کوشش در صرف نیروی عضلاتی کمتر و صرفه جویی در مدت زمان ادای واژه می باشد، چنانچه امروزه در گفتار عادی زبان فارسی بعضا واژه ها به صورت کوتاه و کاهش یافته تلفظ میگردند و یا بنابر تقلت تلفظی از واژه ها به جهت نرمش ادا در آن تغییرات آوایی به وقوع می پیوندد و یا هم بنابر نزدیکی مخرج واجها در واژه ها به جای یک واج در آن واژه و یا واج دیگر و هم در مخرج آن آورده می شود که این همه باعث تغییرات واجی و آوایی و سرانجام موجب تغییر و تحول واژه ها میگردند مانند کاهش؛ گوهر، دمب، دم، خنب، خم، دشخوا و دشوار.

2. تحول دستوری زبان ها امروزی شکل تحول یافته دوره های کهن آن ها است آن چه در بررسی تاریخ یک زبان بسیار مهم

و قابل توجه است عبارت از دگرگونی های پدید آمده در دستگاه های صرفی و نحوی آن زبان و تحولات حاکم بر روابط عناصر زبانی می باشد، مثلا در زبان فارسی در دوره باستان زبان ترکیبی بودیعی ساخت و مشخصات ظاهری هر واژه به روی زنجیر گفتار معرف موقعیت صرفی و نحوی واژه بود و پسوند و اجزای صرفی سازنده واژه ها نشانه های دستوری بود نه که موجب شناسای صرفی و نحوی واژه می شدند یعنی شناخت نقش دستوری واژه ها از روی شکل ظاهری آن ها میسر بود.

4. تحول معنایی واژه تحول معنایی زبان با زندگی و فرهنگ یک جامعه زبانی پیوند دارد این گونه دگرگونی از میکانیزم های که ویژه نظام های زبان است آزاد است اما به هیچ وجه از توجیحات زبانی به طور کامل بی نیاز نیستند تحول معنای واژه گان زبان را نمی توان فرمول بندی کرد، زیرا مدل های معنایی زبان شناسی تشریحی یا زبان شناسی عمومی بسیار محدود است و در همه موارد نمی توان آن ها را تطبیق کرد در زمینه تحولات معنایی از سوی مکتبی به نام زبان شناسی اجتماعی با شرکت شاگردان (انتوان میه) در پاریس انجام گرفته است. این مکتب به اساس کار میشل برنال زبان شناس فرانسوی در اواخر سده نوزدهم تشکیل شده است که برخلاف وی عقیده نو دستور زبان بنابر عمل کرد کورکورانه آنان در ارتباط به تحولات زبان بر اهمیت در نظر گیری جنبه های اجتماعی زبان تاکید کرد.

هر واژه تاریخ خود را دارد، در هر برهه معین زمان یک واژه خاص ممکن است بیش از یک معنی داشته باشد. برنال بر این پدیده نام چند معنایی داده است.

در اغلب موارد بافت با موضوع کلی گفتگو، معانی یک واژه را در یک موقف ویژه مشخص می سازد به گونه مثال واژه تخته، در زبان فارسی دری به معنای چوب باریک اهر شده، سطح هموار چوب یا سنگ، اشیایی هموار به کار رفته است همزمان این واژه در ترکیب های معنای زیاد پیدا میکند، مثلا: دوکان را تخته کرد. یعنی دوکان را بسته کرد. او تخته خود را شست. البته با وجود آمدن پدیده های مهم معنایی چند معنای مقابل معنایی و از این قبیل نتیجه تحول معنایی واژه در زبان می باشد. (محسن، ۱۳۴۸: ۳۵-۳۷)

نتیجه گیری

زبان همواره در حال تحول است هر زبانی در روند تاریخ خود معروض به دگرگونی میگردد زبان های زنده پیوسته در سطوح واژگان، تلفظ، دستور زبان و معنا تغییر می نمایند و این تغییر و دگرگونی اجتناب ناپذیر بوده جای هیچگونه نگرانی و نگرش نیست. نگرش های هنوز نزد برخی از اشخاص وجود دارد اما آن ها هیچگاهی نتوانسته اند و نمی توانند بر تحول زبان اثر گذار باشند و جلو آن را بگیرند.

زبان چون در اجتماع تکامل می کند در کسب و تکمیل آن عادت بسیار دخالت دارد این عادت ها در طی تمرین های عضلاتی که نزد اقوام مختلف دارای تفاوت است حاصل میشود به همین سبب است که نزد اقوام مختلف دارای تفاوت است حاصل میشود به همین سبب است که شکل گفتاری هم زبانی با زبان دیگر فرق می کند.

تاریخ سودمند ترین منبع اطلاعاتی درباره پیدایش و تحول زبان می باشد که در زمینه از متون ثبت شده زبان های کهن استفاه می شود. به گونه بی که گفته شد همواره تحول در زبان صورت می گیرد و تحول در زبان صورت می گیرد و تحول زبان هم

علل خارجی و هم علل داخلی دارد و علل خارجی آن است که دگرگونی و تحولات یک زبان همگام و هماهنگ با تحولات جامعه بی است که از آن به عنوان یک وسیله ارتباطی خود استفاده می کند تغییرات و تحول زبان تصادفی و اتفاقی نیست بلکه این تحولات تابع قوانین و قواعد معین هستند و به همین دلیل هر زبانی که از صورت اصلی خود بسیار دور شده است میتوان رابطه آن را با اصل و با زمان های دیگری که از آن منشعب شده اند تشخیص داد.

ماخذ

1. باقری، مهدی (۱۳۷۸) تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر قطره.
2. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۸) زبان فارسی و سر گذشت آن، تهران: هیرمند.
3. صادقی، علی اشرف (۱۳۷۵) تکوین زبان فارسی، تهران: نشر دانشگاه آزاد.
4. آموزگا، ژاله (۱۳۷۵) ادبیات و دستور زبان، تهران: انتشارات معین.
5. خانلری (۱۳۵۵) تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر بنیاد فرهنگ.
6. ریاض، محمدامین (۱۳۵۰) نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: نشر امیر کبیر.
7. جاوید، احمد (۱۳۶۳) پیدایی و بالندگی زبان دری، کابل: نشر میوند.
8. ناظمی، حسن (۱۳۶۸) دستور امروز، تهران: نشر سمت.